

دکتر عبدالرحمن صدریه

رشد اقتصادی يك الزام است

تجربه‌های سالهای پس از جنگ دوم جهانی، بنا بر تمامی ظواهر امر، اکنون به ما آموخته که رشد اقتصادی در حفظ ملل، پایدار ماندن شئون ملی، همبسته ماندن انسانها با حکومت، و همچنین در ارج گذاری و معیارسنجی نظام حاکم و نظریه‌ای که چنین نظامی بر آن متکی است، دارای اهمیت حیاتی است. هر کجا روند رشد اقتصادی کند باشد، یا متوقف و یا حتی منفی شده باشد، دیر یا زود، روشهای استفاده از قدرت عریان برای تحمیل قشر حاکمه و نظریه مورد پشتیبانی این قشر، ناکارآمد خواهد شد، و حکام در نهایت در برخورد با نگاه نگران و پرسشگر انسانها دچار تزلزل می‌شوند و از کار برد قدرت عریان دست می‌کشند؛ از آن پس چه بسا انسانها فرصت یابند فارغ از قیّم‌ها برای درست زیستن و به هنجار باهم زیستن راهی بیابند، گرچه محتمل است یافتن چنین راهی چندان سهل نباشد و سالها موجب سرگردانی و سردرگمی جویندگان شود.

اگر متکی به تمامی تجربه‌های نیم قرن اخیر بپذیریم که بدون برخورددار بودن از رشد اقتصادی هیچ ملتی قادر نخواهد بود در بلندمدت ملیت و تمامیت سیاسی خود را حفظ کند؛ قادر نخواهد بود شئون ملی خود را از بی‌حرمتی مصون دارد و نخواهد توانست انسانها را با حکومت وابسته و همبسته‌نگه دارد؛ و اگر بپذیریم که اینک، در پایان قرن بیستم، رشد اقتصادی معیارسنجش از جمنندی و کارآیی حکومت و نظریه‌ایست که حکومت بدان متکی است، به ناچار برای رشد اقتصادی اهمیت حیاتی قایل می‌شویم.

راه رسیدن به رشد متناسب با توان تولید اقتصاد ملی باید با تأمل و شکیبایی فراوان برگزیده شود، و در این گزینش سود بردن از تمامی دانش اقتصادی امروزی مورد نیاز است، ولی پس از اینکه چنین گزینشی انجام شد باید وفادار به راه برگزیده، بدون انحراف دنبال شود. اگر حکومت نتواند راه مناسبی برای رشد اقتصادی برگزیند و اجرا کند، یا اگر راه برگزیده کارآمد نباشد، دیری نخواهد پایید که مردم بروشنی درک می کنند که حکومتشان از اداره معقول جامعه و اقتصاد ملی ناتوان است؛ حکومتی که انسانها را از زیستی شایسته و متناسب توان نهایی اقتصاد کشور محروم می سازد، فقط می تواند با کاربرد قدرت عریان بر مسند قدرت باقی بماند، با این همه اگر توده های عظیم بر ادراک نا کارآمد بودن حکومت متفق شوند، کاربرد قدرت عریان نیز چندان دوام نخواهد داشت.

طبیعی است که رشد اقتصادی تنها خواسته یک جامعه نیست. جامعه بسیار چیزهای دیگر هم خواستار است، که اگر بخواهیم برای تمامی خواسته ها اصطلاح واحدی را به کار ببریم، باید آن را، «شئون انسانی» بنامیم: انسان برترین مخلوق است، و این برترین مخلوق خواستار زیستن به نحوی است که با شئون برترین مخلوق موافق باشد؛ هر چه او را از چنین زیستی محروم سازد، برایش نامطلوب است. در هر حال برای زیستن منطبق با شئون انسانی، انسان نیاز دارد تا از رفاهی در حد انتظارش از جامعه و اقتصاد ملی اش برخوردار شود. رفاه مورد انتظار بستگی دارد به امکان و توان جامعه و اقتصاد ملی. مثلاً طبیعی است که یک عضو جامعه سوئد رفاهی جز آن انتظار دارد که یک عضو جامعه بنگال در آن ولی هر انسانی انتظار دارد از چنان رفاهی برخوردار شود که بالقوه امکان برخوردار از آن، متکی به توان تولید نهایی اقتصاد ملی اش وجود دارد.

رشد اقتصادی پدیده ایست که در اغلب، یا در تمامی موارد، پیامدهای ناهنجار دارد؛ تالی رشد اقتصادی می تواند چنان فاسد باشد که تمامی مزایای آن را پوچ سازد، و رشد اقتصادی و پیامدهای ناخوشایندش، خود علنی برای شوریدن مردم علیه حکومتی شود که چنین رشد و پیامدهای آنرا

موجب شده است. بنابراین در بررسی مسایل مربوط به رشد اقتصادی هرگز نمی توان از پیامدهای اجتماعی، فرهنگی، و بویژه از ویژگی مخرب عادات و اخلاق و سنت بودن آنان غافل ماند. تجربه های نیم قرن اخیر بسیار خوب مشهود ساخته اند که چنین غفلتی می تواند همه چیز را نابود کند؛ در حقیقت رشد اقتصادی که قرار می بوده قاتق نان باشد، قاتل جان شده است.

امروز ما آگاهییم که پدیده رشد اقتصادی تأثیر گذار بر تمامی جزوهای زندگی انسانی، همزیستی انسانها در یک جامعه، و مقام و مرتبه یک جامعه در جوامع ملل است. بدون رشد اقتصادی توسعه مبانی فرهنگی ملی، گسترش خدمات بهداشتی-درمانی-اجتماعی، برخورداری از نیروی دفاعی کارآمد، امکان پذیر نیست؛ کشوری که از رشد اقتصادی برخوردار نباشد، با سپری شدن هر یک روز، شکاف ناخوشایند بین انسان و حکومت بازتر خواهد شد، و در چنین کشوری دیگر مردم حکومت را از آن خود، و خود را وابسته به حکومت نخواهند دانست، در نتیجه اعتماد متقابل از بین خواهد رفت؛ کشوری که از رشد اقتصادی متناسب برخوردار نباشد، از نظر اقتصادی مدام از دیگر جوامع عقب می ماند و احترام و مرتبه اش در جوامع ملل کاهش می یابد.

راه دست یابی به رشد معقول و مداوم، چیزی است که اقتصاددانان در طول قرن اخیر مدام در جستجوی آن بوده اند، ولی اغلب این پژوهشها مربوط به دوران اقتصادی پس از انقلاب صنعتی می شود بنا بر این اگر کشوری از مرحله انقلاب صنعتی نگذشته باشد، از دست آوردهای پژوهش اقتصاددانان بزرگ در این زمینه نمی تواند چندان سود برد. با این همه نباید باور داشت که کشورهایی که هنوز دوران انقلاب صنعتی را پشت سر نگذاشته اند و هنوز در حال گذر از آنند، می توانند خود را از توجه به حاصل تجربه ها و آموزشهای دیگران، و از بهره گرفتن از نظریه های سیاست اقتصادی بی نیاز بدانند؛ چون رفع مشکلات و درمان بیماریهای آنان با این وسایل ممکن نیست.

برای رسیدن به رشد معقول اقتصادی و تداوم آن هر جامعه ای نخست نیاز به ساختار قابل اعتمادی از بنای اقتصاد ملی خواهد داشت؛ جاده ها، بنادر،

خطوط آهن، شبکه برق رسانی، مخابرات و آموزش فنی. پس از این مرحله نخست نیاز به تأسیسات صنعتی خواهد داشت تا بتواند برای تمامی افراد آماده به کار جامعه، محل کار فراهم سازد: محل کار در سه رشته کشاورزی، صنعت و خدمات فراهم می شود، ولی کار در کشاورزی در کوتاه مدت بدون نوسان است و خدمات و ساختمان تابع گسترش صنعتی است. پس از گذشتن از دو مرحله نخست، برای افزودن نرخ کارآیی اقتصاد و در نتیجه افزایش توان تولید و رشد درآمد ملی به نوآوریهای تکنولوژی، یافتههای جدید و بالا بردن سطح دانش فنی نیاز خواهد بود. لیکن اگر تصور شود که این مراحل یکی پس از دیگری عملی می شود، و پس از به پایان رسیدن و تکمیل نخستین مرحله، مرحله بعدی آغاز خواهد شد، طبیعتاً تصویری است نادرست؛ مراحل رشد اقتصادی، حتی در کشورهای در حال توسعه، کم و بیش همراهِ با هم شروع می شود: در همان حال که جاده ها را می سازند، شبکه برق تکمیل می شود، مخابرات گسترش می یابد، کارخانه ها هم مونتاز و از تکنولوژی پیشرفته وارداتی هم استفاده می شود. و دانشجویان هم در مقاطع مختلف نو یافته های تکنیک و علم را می آموزند. این درهم برهم شدن مراحل رشد، تقریباً در تمامی موارد تنگناهایی را موجب می شود؛ طبیعی است که نمی توان انتظار داشت مراحل مختلف چنان در همسازی با هم پیش روند که هیچ تنگنایی ظاهر نشود. گاه این تنگناها چنان نامطلوبند که موجب توقف رشد خواهند شد و حتی ممکن است همه چیز را ضایع کنند.

با نگرش به کشور خودمان می توانیم بپذیریم که اقتصاد ملی ما در جریان گذر از دوران انقلاب صنعتی به علل رویدادهای سیاسی و سپس جنگ تحمیلی، متوقف ماند. گرچه نه در تمامی موارد. و با این همه امروز بنای اقتصاد کشور چنان است که امکان فراوانی برای دست یافتن رشد متناسب و مداوم وجود دارد: تقریباً در تمامی شهرها و مراکز روستایی با جاده های نسبتاً خوب هم مربوط اند، شبکه خطوط آهن در حال تکمیل است، بنسادر مجهزی در جنوب ساخته شده یا در حال ساختمان شدن است، ناوگان تجاری و نفت کش حجم بارگیری چشمگیری در اختیار بازرگانان خارجی گذارده

اهت، شبکه سرتاسری برق زمینه لازم را برای تأمین برق در هر جا که بدان نیاز باشد، آماده کرده است، در کشور صنایعی وجود دارد که در صورت بهره‌برداری کامل از آنها تعداد قابل ملاحظه‌ای محل کار عرضه کنند و در پاره‌ای از موارد همین صنایع امکان توسعه صنعتی متکی به صنایع داخلی را ایجاد کرده‌اند کارآموزان فنی و تخصصی در مقاطع مختلف در طول سالها آموزش دیده‌اند و اکنون از نظر کارآمدی تکنیکی و وقوف بر دانش فنی - گرچه هنوز بسیار کسر داریم - در زمره نوآموختگان نیستیم. بنابراین اگر بتوانیم از تمام این توان تولید موجود بهره‌گیریم، بسیار بهتر از آن خواهیم بود که در حال حاضر هستیم.

برای بهره‌گرفتن کامل از توان تولید کشور و سود بردن از امکاناتی موجود در بنای اقتصاد ملی چه باید کرد؟ آیا تدوین و تصویب، و حتی اجراء همراه با موفقیت يك برنامه بلندمدت، کافی است؟ بی‌تردید اقتصاددانان با دیدگاه متفاوت به این سؤالهای اساسی پاسخهای متفاوت خواهند داد، اما تصور می‌کنم امروز همه این‌ها را پذیرفته باشند که بدون استفاده از کارآیی فرد در بخش خصوصی نمی‌توان به رشدی دست یافت که هدف رسیدن به آن است. لیکن برای آنکه بتوان از کارآمدی فرد در بخش خصوصی بهره‌مند شد، باید سیاست اقتصادی کشور ویژگی قابل اعتماد بودن را داشته باشد، اما ویژگی خصم بخش خصوصی بودن را نداشته باشد.

دولت قطعاً می‌تواند حریم دخالت بخش خصوصی را در تصمیم‌گیریهای اقتصادی و فعالیتهای تولیدی و خدماتی تعیین کند، مشروط بر اینکه پس از ابلاغ این حریم، دیگر بدان تجاوز نشود، تا فردا این فرصت را بیابد که در حریم تعیین شده، بنا بر سلیقه و رویه خود فعال باشد و در ضمن منش دولتیان هم باید چنان باشد که قابل اعتماد بودن این حریم و این آزادی فعالیت در محدوده حریم آشکار شود و جای هیچ تردید باقی نگذارد.

اگر اقتصاد بخواهد به بخش خصوصی متکی بماند، اگر بخواهد ضمن اتکاء به مدیریت دولتی، اتکاء به مدیریت بخش خصوصی را هم حفظ

کند، ناچار است برای اعمال سیاست اقتصادی مورد نظر خود، برای اطمینان یافتن از روند مثبت رشد اقتصادی و برای مصون داشتن جامعه از پیامدهای ناهنجار رشد اقتصادی، وسایل لازم را در اختیار داشته باشد. دولت اگر نتواند حجم پول در جریان و نقدینگی را با نیاز اقتصاد در هر مرحله و هر زمان همساز کند، اگر گاه نقدینگی چنان بیش از توان اقتصادی در عرضه کالا باشد که در حال حاضر هست، و زمانی دیگر حجم پول در جریان کمتر از نیاز بازار باشد، هرگز نخواهد توانست با تورم، با افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، بار کود و بیکاری، و با گرایش وارداتی بیش از توان پرداختهای کشور مقابله کند. تا زمانی که بانک مرکزی اوراق تضمینی منتشر نکرده است، تا زمانی که مقدار قابل ملاحظه‌ای از نقدینگی این چنین مزاحم اشخاص با عرضه صحیح و اصولی اوراق تضمینی جمع و از جریان خارج نشود، و تا زمانی که بانک مرکزی نتواند حسب مورد با عرضه، یا خرید اوراق تضمینی حجم پول در جریان و نقدینگی را کنترل کند، هیچ امکانی برای به‌راه راست هدایت کردن اقتصاد ملی وجود نخواهد داشت. در شرایط فعلی در کشورمان، منظور داشتن تمامی امکانات اقتصادی ملی و تنگناهای آن، بخصوص تنگنای توان پرداختهای خارجی، اگر بانک مرکزی برای کنترل حجم پول در جریان و نقدینگی راه معقولی نیابد، کار چندانی از پیش نخواهد رفت.

سیاست اقتصادی وسیله‌ایست برای به جریان انداختن روندی که رشد معقول و مداوم اقتصاد را تأمین کند پول در اعمال سیاست اقتصادی نقشی بسیار حساس بر عهده دارد؛ پول در اختیار دولت و بانک مرکزی است؛ بنابراین بانک مرکزی همواره باید از این توان برخوردار بماند که تحرك تأثیرگذار پول را زیر کنترل داشته باشد.

در مورد کشورهای در حال رشد گفته شده است، که در این کشورها نمی‌توان رویه‌هایی را به کار برد که بعد از جنگ جهانی دوم، تحت تأثیر نظرات و توصیه‌های کینز در کشورهای صنعتی پیشرفته برای مقابله با مسایل اقتصادی پس از جنگ، برای جلوگیری و رکود با موفقیت از آن

استفاده شد. گفته شده است که کاربرد چنین رویه‌هایی در کشورهای در حال رشد بی‌آنکه به افزایش محل کار و تولید کالا بیانجامد و موجب شود تا کارگران بیشتری به کار گمارده شوند، به افزایش تقاضا برای ارقام کالایی که کمیابند، یا باید از خارج وارد شوند، منجر خواهد شد. در کلیات این برداشت صحیح است، اما نباید آن را در همه حال و همه جا صادق دانست. وقتی در کشوری، چون کشور خودمان، گام‌های نخستین و بسیار مهم در زمینه انقلاب صنعتی برداشته شده باشد، قطعاً می‌توان با ملاحظه و احتیاط داروهای کینز را تجویز کرد، مشروط بر آنکه بانک مرکزی قبلاً مقدمات کنترل حجم پول و نقدینگی را تمهید کرده باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز ملی علوم انسانی